

متن پرسش

بسمه تعالی؛ سلام علیکم. ۱. ما که هیچ کدام ایمان نیاورده ایم... ما که هیچ کدام اسلام نیاورده ایم... فقط برای اینکه بتوانیم در جمعی مقبول باشیم، اینگونه بودن را انتخاب کرده ایم و دیگر هیچ... ما در پستی های خود غرقیم، توان برون رفتن نداریم، اینکه به کجا هم باید برون جست را نمی دانیم. بر پستی هایمان رنگ ایمان و مذهب می زنیم، خیال خود را هم راحت می کنیم که دیگر جهنمی نیستیم. خیال می کنیم میان ما و آن فرومایه ای که رنگ بخود نگرفته فرق هاست. تصور ما به اینست که آنکه قرآن می خواند مسلمان است و انسان خوب تلقی می شود، اما آنکه قرآن تا بحال به دست نگرفته مذهبی نیست؛ غافل از آنکه قرآن از بر کرده ها حسین کشی را به راه انداختند، کاری که خیلی از قرآن نخوانده ها حتی مخیله اش را ندارند! این ایمان نیست که ما پوشیده ایم این اسلام نیست که ما دم می زنیم این مذهب نیست که ما می رویم ما در حیوانیت بدو تولدمان رکود یافتیم و حرکت نکردیم. حیوانیت خود را نیز در لباس پر وصله دار اسلام با هزار زور و نیرنگ نگاه داشته ایم، کافیت کمی سربسرممان بگذارند تا رد چنگ ها را بر سینه هاشان ببینند ۲. بشر به دنبال چه بود که بلند گو را اختراع کرد؟ چشده که با عکس و سینما روبرو شد؟ نگاه پدیدار شناسانه اش را کجا به تفصیل بیابم؟ حال؛ شهید آوینی این ابزار را تا کجاها رساند؟ برای اینکه یک نگاه تفصیلی به نیاز بشر به صوت و تصویر و کاری که شهید آوینی با آنها کرد به کجا رجوع کنیم؟

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: ۱. آری! «گرچه بهشتش نه به کوشش دهند/ آن قدر ای دل که توانی بکوش». مهم آن است که امیدوارانه جلو برویم تا آرام آرام به لطف الهی نور ایمان، آری! نور ایمان به سراغ مان بیاید. ۲. در این رابطه جلسه ای در خانه مشروطه تشکیل شد و مطالبی به میان آمد. <https://eitaa.com/c/۵۷۰۱۳۳۸۹/۱۱۷۱> موفق باشید.